

ملحقات پایانی

با پایان گرفتن احکام رساله، با توجه به اهمیت موضوع، در این بخش ابتدا دربارهٔ محرّمات الهی، گناهان صغیره و کبیره و ملائکه آنها و سپس دربارهٔ حقوقی که بر عهدهٔ انسان است و اقسام آن بحث می‌شود.

اول: بیان بعضی از گناهان و محرّمات الهی (گناهان صغیره و کبیره)

انسان مسلمان معتقد به دستورات دینی و پابند به آنهاست، طبعاً مقید است که واجبات را انجام دهد و از محرّمات دوری کند. در این رساله احکام واجبات و محرّمات بیان شد. راجع به نماز که از اهم واجبات الهی است، بحث شد و نیز راجع به دیگر واجبات چون روزه، زکات، جهاد و حج نیز به طور مستوفی بحث به عمل آمد و تعدادی از محرّمات نیز در خلال دیگر بحثها توضیح داده شد. در این قسمت برای استفادهٔ بیشتر، به طور اجمال و مختصر به بعضی محرّمات الهی و گناهان که اجتناب از آنها امری لازم و واجب و ارتکاب آنها موجب سقوط و هلاکت انسان در ابعاد فردی و اجتماعی است، اشاره می‌شود، تا با شناخت بیشتر آنها - با انجام واجبات الهی و ترک محرّمات خداوندی - موجبات قرب به حضرت حق، فراهم شود و راهی روشن برای رهایی از سقوط و مبتلا شدن به عذاب جاودانه الهی، فرا روی عاملین آشکار گردد و اهم آن گناهان به ترتیب زیر است:

1- شرک و ورزیدن؛ شریک قائل شدن برای خدای متعال از گناهان کبیره است و در قرآن به کسانی که برای خدا شریک قائل شده‌اند وعدهٔ عذاب سخت داده شده است: «إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ

فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ¹؛

2- یأس از رحمت خداوند و الطاف الهی؛ خداوند متعال در قرآن فرموده است: «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»²؛

3- ایمن دانستن و مطمئن شدن از غضب و مکر الهی؛ چنان که خداوند متعال در قرآن فرموده است: «أَفَأَمَّنُوا مَكَرَ اللَّهِ، فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ»³، و منظور از مکر خدا همان عقوبت‌ها و مجازات‌هایی است که برای انسان در برابر اعمالی که مرتکب می‌شود، از طرف خداوند جهان مقرر گردیده است؛

4- کشتن انسان‌های بی‌گناه به ناحق و عمداً؛ خدای متعال دربارهٔ آنان فرموده است: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَوَعَدَ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»⁴؛

5- خود کشی و انتحار؛ از امام ششم حضرت صادق عليه السلام نقل شده که فرمودند: «کسی که عمداً خود را بکشد، در آتش جهنم همیشگی خواهد بود»⁵؛

6- کوچک شمردن نماز؛ در حدیثی از امام موسی کاظم عليه السلام آمده است که فرمودند: «پدرم موقعی که از دنیا می‌رفت فرمود، فرزندم به شفاعت ما نایل نمی‌شود کسی که نماز را کوچک شمرده و سبک به حساب آورد»⁶؛

7- روزه‌خواری بدون عذر در ماه رمضان؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: «کسی که یک روز از ماه رمضان را بدون عذر افطار کند روح و حقیقت ایمان از او بیرون می‌رود»⁷؛

8- ترک یکی از واجبات الهی؛ حضرت صادق عليه السلام فرمودند: «بنده‌ای که یکی از واجبات الهی را ترک کند و یا یکی از گناهان کبیره را مرتکب شود، خدای متعال به او با نظر رحمت نگاه نمی‌کند و او را پاک نمی‌گرداند»⁸؛

9- زنا و رابطه نامشروع با اجانب؛ از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمودند: «زنا شش

1. یعنی: حتماً و قطعاً هر کس که به خدا شرک ورزد، بهشت را خداوند بر وی حرام فرموده و جایگاهش دوزخ است (مائده: 72).

2. یعنی: به درستی از رحمت خداوند مأیوس و ناامید نمی‌شوند، مگر کسانی که به خدای جهان کفر می‌ورزند (یوسف: 87).

3. یعنی: آیا آنان ایمن شده‌اند از مکر الهی، پس ایمن نمی‌شوند از مکر خدا مگر آنانی که زیان کارند (اعراف: 99).

4. یعنی: کسی که عمداً مؤمنی را به قتل برساند، جزای او آتش جهنم است و در آن جاودانه خواهد ماند و خشم خدا برای او بوده و او را لعنت کرده و عذاب بزرگی را برایش آماده ساخته است (نساء: 93).

5. وسائل الشیعه، چاپ آل‌البیت، ج 29، باب 5، از ابواب القصاص فی النفس، ح 1 و 2 و 3، ص 24.

6. همان، ج 4، کتاب الصلوة باب 6 از ابواب اعداد فرائض، ح 3، ص 24.

7. همان، ج 7، ص 246، کتاب الصوم، باب 1 از ابواب احکام شهر رمضان، ح 12.

8. همان، ج 1، کتاب الطهارة، باب 2 از ابواب مقدمة العبادات، ح 17، ص 37.

اثر سوء دارد، سه در دنیا و سه در آخرت، اما آن سه اثر سوء در دنیا، نورانیت انسان را می‌برد، روزی را کم می‌کند و مرگ و فنا را نزدیک می‌سازد و اما آن سه اثر سوء در آخرت، موجب غضب پروردگار عالم می‌شود و حساب روز قیامت را سخت می‌کند و سبب دخول و خلود در آتش جهنم می‌شود؛¹

10- لواط - هم جنس بازی دو مذکر - ؛ از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمودند: هر گاه کسی لواط کند، عرش خداوند به لرزه در می‌آید و خدای متعال وی را لعنت و غضب فرموده و جهنم را برایش مهیا می‌سازد و آن کسی را که با وی لواط شده، در جهنم نگاه می‌دارد تا به حساب همه مردم رسیدگی شود آن گاه خدای عالم او را در جهنم می‌اندازد و در طبقات آن معذب خواهد بود؛²

11- مساحقه (همجنس‌بازی دو مؤنث)؛ از امام ششم حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «به خدا قسم مساحقه، زنا بزرگ است»؛³

12- استمناء؛ امام صادق علیه السلام درباره این گناه فرموده‌اند: «کسی که استمناء کند از جمله کسانی است که خدای جهان با آنان سخن نمی‌گوید و با نظر رحمت به آنان نمی‌نگرد و پاکشان نمی‌گرداند و برای آنان عذابی دردناک مهیاست»؛⁴

13- قیادت و واسطه‌گری - رساندن زن و مرد نامحرم به هم برای زنا یا دو مرد یا دو زن برای هم جنس بازی؛ این عمل گناه بزرگی است، از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمودند: «هر کس برای عمل زنا مرد و زنی واسطه شود، خداوند بهشت را بر وی حرام می‌کند و جاییش را دوزخ قرار می‌دهد و چه جایگاه بدی است دوزخ و همیشه مورد خشم و غضب خداست تا بمیرد»؛⁵

14- قذف؛ یعنی نسبت زنا یا لواط دادن به زن یا مرد عقیف مسلمان، خدای عالم در قرآن کریم فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»⁶؛

15- ترویج و اشاعه فحشا و منکر؛ خدای متعال در قرآن در این مورد می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ

1. همان، ج 20، کتاب النکاح، باب 1 از ابواب النکاح المحرم و ما یناسبه، ح 16، ص 311.

2. همان، باب 17، ح 1، ص 329؛ باب 18، ح 1، ص 334.

3. همان، باب 24 از ابواب النکاح المحرم و ما یناسبه، ح 5، ص 346.

4. همان، باب 28 از ابواب النکاح المحرم، ح 2، ص 352.

5. همان، باب 27 از همان باب، ح 2، ص 351.

6. یعنی: کسانی که به زنان مؤمن و پاکدامن که از هر گونه آلودگی و فساد بی‌خبر هستند، نسبت زنا داده و آنان را مورد اتهام قرار می‌دهند، در دنیا و آخرت مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرند و برای آنان عذاب بزرگی است (نور): (23).

- يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ¹؛
- 16- هتك حرمت مؤمن و ضربه وارد کردن به حیثیت او؛ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمودند: «کسی که علیه مؤمن چیزی نقل کند و هدفش این باشد که به سبب آن خبر آن مؤمن تضعیف گشته و آبرویش برود و از چشم مردم افتاده و نزد ایشان بی اعتبار شود، خدای متعال چنین کسی را از ولایت خود خارج ساخته و به سوی ولایت شیطان رهسپار می فرماید و شیطان هم او را تحت ولایت خود نمی پذیرد»²
- 17- تفتیش و تجسس در امور داخلی و شخصی دیگران؛ خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَجَسَّسُوا»³
- 18- گوش دادن به مکالمات شخصی افراد؛ در حدیثی از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمودند: کسی که به سخن و مکالمات خصوصی افراد که آنها کراهت دارند و دوست ندارند دیگران بشنوند، گوش کند، روز قیامت در گوش او سرب گذاخته ریخته می شود»⁴
- 19- فاش کردن اسرار شخصی افراد و یا حکومت و نظامی که مشروع و صالح است؛
- 20- غیبت کردن؛
- 21- به غیبت گوش دادن؛
- 22- تهمت و افترا به دیگران بستن؛
- 23- سخن چینی و فتنه انگیزی کردن؛
- 24- سوء ظن و بدگمانی به مؤمن؛
- 25- مسخره کردن و مورد استهزا قرار دادن مؤمن؛
- 26- سرزنش و ملامت کردن مؤمن؛
- 27- اذیت کردن مؤمن و آزار رساندن به او؛
- 28- تحقیر مؤمن و خوار شمردن او؛
- 29- دشنام دادن؛ از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمودند: «همانا خدای متعال حرام کرده است بهشت را بر هر دشنام دهنده پست و کم شرم و بی حیایی که پروا ندارد که چه بگوید یا چه به او گفته شود»⁵

1. یعنی: کسانی که دوست دارند فحشا در میان مؤمنان شیوع و رواج پیدا کند برای آنان در دنیا و آخرت عذاب دردناک است (نور: 19).

2. وسائل الشیعه، ج 12، کتاب الحج باب 157 از ابواب احکام العشرة، ح 2 ص 294.

3. یعنی: تجسس نکنید (حجرات: 12).

4. وسائل الشیعه، ج 17، کتاب تجارت، باب 94، از ابواب ما یکتسب به، ح 9، صص 298-297.

5. همان، ج 16، کتاب الجهاد، باب 72 از ابواب جهاد النفس، ح 2، ص 35.

- 30- انجام یا ترک کاری که موجب اذیت پدر و مادر یا هر دو باشد؛
- 31- اذیت و آزار رساندن به همسایه؛
- 32- قطع رحم؛
- 33- پیمان شکنی؛
- 34- دروغ گویی؛
- 35- قسم دروغ یاد کردن؛
- 36- دروغ بستن به خدای عالم، رسول خدا ﷺ، یکی از انبیای الهی و یا یکی از معصومین علیهم السلام؛
- 37- فتوا دادن بدون علم کافی؛
- 38- شهادت ناحق دادن؛
- 39- خودداری از شهادت به حق؛
- 40- راهزنی، ایجاد ناامنی و سلب آسایش و امنیت مردم؛
- 41- دزدی از اموال مردم و اختلاس از اموال عمومی و بیت المال؛
- 42- کم فروشی کردن؛
- 43- غش در معاملات؛
- 44- خوردن مال یتیم و تصرف غیر مجاز در آن؛
- 45- استفاده و بهره برداری از درآمدهای نامشروع و حرام؛
- 46- استفاده شخصی از اموال و امکانات دولتی و عمومی؛
- 47- غصب اموال دیگران و تجاوز به حقوق آنان؛
- 48- خودداری و استتکاف از پرداخت حقوق دیگران در صورتی که توان پرداخت باشد؛
- 49- خیانت کردن؛ چه به افراد باشد و چه جامعه، از امام هشتم حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمود، رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «از ما نیست آن کسی که به مسلمانی خیانت کند»¹؛
- 50- رشوه گرفتن و رشوه دادن مگر برای کسی که برای رسیدن به حق مشروع خود ناچار از رشوه دادن است، در این صورت برای گیرنده حرام است، گرچه به خاطر ضرورت برای دهنده ایراد ندارد؛
- 51- گرفتن و دادن ربا مطابق نصوص قرآنی و روایی؛
- 52- قمار بازی؛²

1. لنالی الاخبار، ص 548.

2. طبق نص قرآن کریم در آیه 91 از سوره مائده.

- 53- شُرب خَمَر و میگساری؛
- 54- احتکار و ایجاد بازار سیاه در کالاهای مورد نیاز مردم؛
- 55- کِهانت و تنجیم؛ طوری که برای غیر خدا، هر چه باشد، بالاستقلال یا بالاشتراک، تأثیر قائل شوند؛
- 56- سحر و جادو و یاد دادن و یاد گرفتن آن مگر در مواردی که برای ابطال سحر دیگری باشد که آنجا مانعی ندارد؛
- 57- استعمال مواد مخدر مگر در صورتی که برای درمان بوده و راه دیگری وجود نداشته باشد؛
- 58- خوردن گوشت مردار و حیوانی که ذبح شرعی نشده است، مگر در مواقع ضرورت به اندازه رفع آن؛
- 59- خوردن گوشت سگ، خوک و سایر حیوانات حرام گوشت؛
- 60- خوردن خون و دیگر نجاسات جز در موارد ضرورت؛
- 61- پوشیدن لباس شهرت یعنی لباسی که عرفاً زشت و زننده است و موجب انگشت‌نما شدن انسان می‌شود؛
- 62- پوشیدن یا تزئین به طلا برای مردان و همچنین پوشیدن ابریشم برای مردان جز در موارد ضرورت؛
- 63- استعمال ظروف طلا و نقره؛
- 64- بنا بر احتیاط بلکه اقوی تراشیدن ریش چه با تیغ یا با ماشین ته زن؛
- 65- زینت کردن زن برای مرد نامحرم؛
- 66- عدم رعایت حجاب اسلامی در برابر نامحرم؛
- 67- نگاه حرام و شیطانی چه از ناحیه مرد و چه زن؛
- 68- اسراف و زیاده‌روی و مصرف خارج از حد متعارف؛
- 69- تبذیر، یعنی مصرف نابجا و بیهوده؛
- 70- اصرار بر گناهان صغیره یا تفوه و تلقی اینکه این گناه مهم نیست و کوچک است؛
- 71- مکر، خدعه و فریب دادن؛
- 72- ریاکاری و تظاهر به نیکی و نیکوکاری در عبادت؛
- 73- بدعت در دین خدا؛
- 74- تحریف احکام الهی؛
- 75- تکذیب اصل دین یا احکام مسلم آن؛
- 76- ارتکاب اعمالی که موجب وهن و سستی دین و مذهب گردد؛
- 77- هتک حرمت قرآن کریم؛
- 78- هتک حرمت مکه مکرمه؛

- 79- هتک حرمت مساجد و مشاهد مشرفه؛
- 80- هتک حرمت مؤمن؛
- 81- نیش قبر مسلمان مگر در مواردی که استثنا شده است؛
- 82- برپا کردن سنتهای زشت و منکر که موجب ضلالت و گمراهی دیگران می شود؛
- 83- برگزاری مراسم و مجالسی که در آن محرمات الهی و معاصی انجام می شود؛
- 84- غنا و گوش دادن به آن با توجه به احکامی که در فصل آواز و آواز خوانی گذشت؛
- 85- اظهار خوشحالی نسبت به وقوع و شیوع منکرات و محرمات الهی و سکوت در برابر آن؛
- 86- کمک و معاونت به گناهکار در انجام گناه؛
- 87- رضایت به ظلم و توجیه و دفاع از ظلم ظالم؛
- 88- مدح ظالم و ستایش آن؛
- 89- تملق و چاپلوسی در مقابل دیگران، مخصوصاً صاحبان قدرت در صورتی که منجر به تحقیر خود آدم و دروغ گفتن و اظهار خلاف واقع شود؛
- 90- سکوت و بی تفاوتی در مقام مشاهده ظلم ظالم در صورتی که قدرت بر دفاع داشته باشد؛
- 91- اعتماد و اتکای به ظالم و ظلمه و رکون به آنان؛
- 92- فرار از جهاد و دفاع در مواردی که واجب است؛
- 93- فروش سلاح به کفار و کسانی که در حال جنگ با مسلمانان هستند؛
- 94- جاسوسی و دادن اطلاعات نظامی، امنیتی و فرهنگی به دشمنان اسلام؛
- 95- طغیان و بغی در برابر حکومت صالح اسلامی؛
- 96- سلب آزادیهای مشروع از افراد و گروهها و همچنین سلب حق دفاع، از افرادی که مورد تهمت قرار گرفته اند؛
- 97- تصدی مسئولیتها و جایگاههای مهم قضایی و اجرایی در صورتی که متصدی خودش را واجد شرایط آن مسئولیت نمی داند؛
- محرمات الهی تنها این موارد نیستند، بلکه بیش از اینهاست و مواردی که ذکر شد به دلیل اینکه برای تک تک آنها در قرآن یا در لسان روایات وعده عذاب داده شده، گناه کبیره محسوب می شوند و لذا شایسته است تمام خواهران و برادران دینی هم در انجام و امتثال اوامر الهی و واجبات دینی کوشا باشند و هم در پرهیز از محرمات الهی پیش قدم بوده و از ارتکاب آنها اکیداً اجتناب کنند، چون ارتکاب محرمات نه تنها یک سلسله عواقب و خطرات و آثار سوء دارد، بلکه موجب از بین رفتن و حبط اعمال نیک نیز می شود.

دوم: حقوق

در منابع دینی و کتاب و فقه و سنت اسلامی - از جمله در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام - حقوقی

بیان شده که در این رساله مجال پرداختن به همه آنها نیست و تنها به بعضی از آنها اشاره‌ای اجمالی می‌کنیم. بعضی از این حقوق واجب است که باید مورد توجه و عمل قرار گیرد و بعضی غیر واجب و در عین حال تمامی آنها مطلوب و سزاوار رعایت است.

تمام این حقوق را می‌توان تحت عناوین پنج‌گانه زیر مطرح کرد:

- 1- حقوق طولی و حقوق الهی و وسایط فیض و رسول خدا ﷺ و انبیاء و اولیاء عَلیهم‌السلام و آنچه که از شئون ولایت حضرت حق به شمار می‌رود.
- 2- حقوق انسان نسبت به خودش.
- 3- حقوق متقابل افراد جامعه و انسانها نسبت به یکدیگر و حاکم و مردم.
- 4- حقوق ملتها نسبت به یکدیگر.
- 5- حقوق متقابل انسان و طبیعت.

الف - حقوق طولی، الهی، وسائط فیض الهی و شئون ولایت خداوند

1- حقوق خدای عالم بر انسان

بالاترین و خاص‌ترین حق که هیچ حقی با آن برابری نمی‌کند، حق خدا بر انسان است و آن تنها حقی است که به صورت یک طرفه مطرح است. انسان باید توجه داشته باشد که:

اولاً، خدا مولای انسان و مالک علی‌الاطلاق بر همه چیز اوست. خدای متعال به انسان نعمت وجود را داده و او را آفریده است تا با به کارگیری عقل، تدبّر، فکر، شعور و اعتقاد راسخ، خدا را بشناسد و معرفت درستی نسبت به او داشته باشد و خود را مؤمن به حضرتش بداند و پس از معرفت اجمالی و صحیح به اصل وجود، آنرا کمال بخشیده و تصدیق کند.

ثانیاً، پس از فراغت از اصل معرفت، تصدیق و ایمان به وجود خدای بزرگ و پس از کنار گذاشتن شریکها و باور به یگانگی ذات اقدس حق، تنها او را عبادت کند و به توحید در مقام عبادت باور داشته باشد و از هرگونه شرک در عقیده و عمل نیز پرهیز کند. پس در مرحله اول از جهت نظر و اندیشه، موحد باشد و در مرحله دوم از جهت عقیده و عمل.

ثالثاً، با باور داشتن به اینکه خدا منعم حقیقی است و دیگران ابزار و اسباب اویند، قدر نعمتهایش را بداند و در برابر آن شاکر باشد و شکر هر نعمتی این است که آنرا خوب بشناسد، از مسیر درست به دست آورد، از آن درست استفاده کند و در مسیر مشروع به مصرف برساند.

رابعاً، رابطه حقیقی حضرت حق با بندگانش رابطه مولویت و عبودیت است. او ربّ، صاحب، مالک و ولیّ مطلق انسان است و انسان در تمام زوایای وجودی - حدوداً و بقائاً - عبد اوست، لذا موظّف است در باب اوامر و فرامین الهی سر فرود آورد؛ در قوانین و مقررات فردی و اجتماعی از اوامر و نواهی او تبعیت و اطاعت کند و در امور سیاسی و حکومتی نیز تحت ولایت خداوند قرار گیرد و از کسانی که او آنها را صالح و امام می‌داند، اطاعت کند.

2- حقّ قرآن

یکی از حقوقی که بر مبنای حقوق خداوند بر انسان، مطرح می‌شود، حقّ قرآن است. این کتاب عظیم الهی و معجزه جاودانه رسول گرامی اسلام ﷺ که دلیل جاودانگی اسلام و خاتمیت پیامبر اکرم ﷺ است، حقّ عظیمی بر گردن بشریت به ویژه مسلمانان دارد. قرآن تنها کتابی است که از ناحیه ذات اقدس پروردگار نازل گشته و برای هدایت بشر در همه جهان بدون کوچک‌ترین تحریف و دستبرد در اختیار انسان قرار داده شده است. در حدیثی از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمودند: «قرآن عهد نامه و پیمان نامه‌ای است که میان خدای عالم و انسان وجود دارد و سزاوار است که مسلمانان هر روز این عهدنامه را مورد توجه قرار دهند و حداقل هر روز پنجاه آیه از آن را تلاوت کنند».¹ تکرار تلاوت آیات قرآن، تأکید و اصرار بر عمل و توجه به مفاد آن عهدنامه الهی است. بر اساس همین حق مسلمانان موظفند نسبت به خواندن و تدبّر در قرآن و فهمیدن پیامهای حیات بخش و عمل به آنها همت کنند و انس با قرآن را سیره و روش عمومی قرار دهند و از توجه به مضامین نورانی آن غفلت نکنند، چون سهل انگاری مسلمانان در انجام وظیفه، باعث سقوط و نابودی آنان شده و زمینه سستی عقاید و باورهای آنان را فراهم می‌سازد که در مقام عمل بی‌توجهی به احکام الهی و عملی حرام خواهد بود.

مطابق مضامین بعضی روایات اسلامی، درجات بهشت با مقدار خواندن آیات قرآن و عمل طبق آن، محاسبه خواهد شد، از پیامبر اسلام ﷺ روایت شده است که فرمودند: به درستی که شایسته‌ترین مردم به تواضع و فروتنی در نهان و آشکار، بدون شک، حامل قرآن خواهد بود؛ و آنگاه با صدای بلند فرمودند: ای کسی که قرآن را با خود داری، به وسیله قرآن راه و روش تواضع را پیشه خود ساز تا خدای عالم تو را عزیز و سربلند کند و مبادا قرآن را وسیله تفاخر و مباهات قرار داده و خود را بر دیگران ترجیح دهی که اگر چنین کنی ذلیل و خوار خواهی شد. به هر کس قرآن داده شود و گمان برد که به دیگران چیز بهتری داده شده، همانا چیزی را که خدای عالم کوچک شمرد، بزرگ شمرد و چیزی را که خدای عالم آن را بزرگ دانسته کوچک شمرد است.²

3- حقّ پیامبر اکرم ﷺ، دیگر انبیاء و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام

نبوت و امامت دو اصل مهم از اصول اعتقادات اسلامی و دو نعمت بزرگ از نعمتهای الهی است که خداوند بر بندگان ممت نهاده و در مسیر کمال و تربیت انسان، به عنوان اسوه در اختیار او قرار داده است.

1. اصول کافی، طبع بیروت، دارصعب، ج 2، کتاب فضل القرآن، باب فی قرائته، ح 1، ص 609.

2. اصول کافی ج 2، طبع بیروت، دارصعب، کتاب فضل القرآن، ح 5.

نبوت و امامت تنها نعمتی برای بشریت و ساختن و تکامل نوع انسان نیست، بلکه دو نعمت بزرگ الهی برای کل نظام وجود و هستی است. طبق تعالیم دینی و نصوص برهانی، انبیای الهی علیهم السلام، اولیای خداوند و ملائکه الله، وسایط فیض ربوبی، مجرای نزول برکات الهی برای دیگران و راههای معارف الهی به شمار می‌روند. اگر آنها - انبیاء و اولیای خدا علیهم السلام - نبودند، راه معرفت و شناخت خداوند به روی بشریت بسته می‌ماند، آنان نقشی عظیم در استقرار خداپرستی، توحید، عدالت، نشر فضائل اخلاقی و انسانی و ارزشهای الهی و تمدن بشری داشته‌اند. اگر آنان نبودند یقیناً از علم و فضیلت خبری نبود و جاهلیت ریشه‌دار، اجازه رشد فکری و عقلی و شکوفایی امور معنوی را نمی‌داد و بشریت از همه معارف بلند الهی، فلسفی و عقلی محروم می‌شد. هر کدام از این بزرگواران در هر مقطع از تاریخ، در دوران حیات پر برکت خود پرچم‌دار هدایت و نمونه کامل انسانیت و الگوی فضیلت، کرامت و تعالی انسان و مظهر اتم اسماء الهی و اسوه کامل بشریت در ابعاد گوناگون بوده‌اند؛ بنابراین لازم است مسلمانان در ارتباط با جایگاهی که انبیاء و اولیای الهی دارند، اولاً معارف و سخنان ایشان را دست نخورده و به زبان روز تبیین کنند و در اختیار تشنگان معرفت و حقایق الهی قرار دهند و ثانیاً سجایای اخلاقی و فضائل عالی انسانی و معنوی آنها را شناخته و نسبت به آنها آگاهی لازم را کسب کنند، هم خود یاد بگیرند و هم به نسلهای بعد بیاموزند و ثالثاً راه و روش و خط مشی فکری و عملی ایشان، از همه جهات روابط فردی، اجتماعی و سیاسی، به عنوان عالی‌ترین و مطمئن‌ترین روش فهم اسلام و معارف قرآنی و طبیعی‌ترین و معقول‌ترین الگو برای عینیت بخشیدن به اسلام و جامعه متکی به ارزشهای الهی قرار گیرد؛ رابعاً با الگو قرار دادن آنان راه را برای جلب و جذب انسانهای سلیم الفطره و دردمند ولی دور مانده از اصل خویش، فراهم کرده و شرایط را برای هدایت و ارشاد آنان آماده کنند و با این شناخت وظیفه و رعایت حقوق اولیای الهی، امکان تحقق مفاد حدیث ثقلین که فرموده رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است به وجود می‌آید و انسان با پیروی از قرآن کریم و الگو قرار دادن سیره انبیای الهی و امامان معصوم علیهم السلام به طور دائم از ضلالت و گمراهی مصون خواهد ماند.

ناگفته نماند، حقوق اولیای خدا منحصر به این موارد نیست و از آنجا که حقوق این بزرگواران از شئون حقوقی ربوبی است، دامنه‌ای وسیع و گسترده دارد که به بعضی از آنها قرآن کریم اشاره کرده و بعضی دیگر را نیز روایات اسلامی بر شمرده است و علاقه‌مندان می‌توانند به کتابهای مفصل و از جمله رساله گران سنگ حقوق از امام چهارم امام سجاد علیه السلام مراجعه بفرمایند.

4- حق واجبات و فرایض مهم عبادی - مالی یا مالی

واجبات و فرایض دینی و الهی بسیارند و با دقت در متون قرآنی و روایی می‌توان پی برد در نظر اسلام هر کدام از آنها در مقام مقایسه با واجبات دیگر، از چه اهمیت و جایگاهی برخوردار است، این واجبات بعضی صرفاً جنبه عبادی دارد، بعضی هم عبادی و هم مادی و بعضی هم عبادی و هم

سیاسی و فرهنگی و بعضی علاوه بر بُعد عبادی از ابعاد نظامی و امنیتی نیز برخوردار است.

الف - واجباتی که صرفاً جنبه عبادی دارد:

از جمله این واجبات دینی نماز است، نماز از اهم واجبات اسلامی و مظهر تام و بلکه اتمّ عبودیت انسان الهی در برابر عظمت خداوندی است.

نماز ورود و حضور در محضر حضرت دوست است، لذا باید طوری بجای آورده شود که کمال تذلل، بندگی و حقارت انسان را در برابر عظمت حضرت حق نشان دهد تا انسان با درک کوچکی و حقارت خویش، سنگینی بار و وظیفه را لمس کند و از نقصان و عدم تناسب شرایط بترسد و از طرفی عظمت و سعۀ رحمت خدا را مشاهده کند تا هم نگران عدم انجام وظیفه باشد و هم امیدوار رحمت خدا و مقید به برپا داشتن این عمل مقدّس، با وقار، تواضع و حضور قلب با رعایت تمام آداب آن باشد. هر چند، نماز اگر به صورت جماعت یا در قالب نمازهای عید فطر، اضحی و جمعه برگزار شود، علاوه بر ابعاد عبادی و معنوی صرف، بار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز خواهد داشت، ولی اگر انسان خوب دقت کند آنچه به نماز روح و معنا می‌دهد، همان حضور، خضوع و ورود در محضر حضرت حق و اظهار عبودیت و تذلل در برابر اوست.

یکی دیگر از این واجبات روزه است، مخصوصاً روزه ماه مبارک رمضان. حقّ روزه آنست که انسان به حقیقت آن واقف باشد و بداند صوم، جُنه و حجابی است که خدای عالم بر زبان، گوش، چشم، شکم، فرج و بلکه دل و قلب زده است تا آنرا از آتش جهنّم نجات دهد و با درک گرسنگی و تشنگی، بداند که گرسنگی و تشنگی آخرت بسی سهمگین‌تر از اینهاست.

ب - قسم دوم از واجبات و فرائض که بُعد دینی و مالی دارند، مانند زکات و خمس است.

اما حقّ زکات آنست که انسان بداند و متوجّه باشد که خدای عالم در اموال اغنیا حق و سهمی برای نیازمندان قرار داده و - مطابق بعضی روایات اسلامی - آنان را در اموال ثروتمندان شریک ساخته است. پس باید طوری عمل کند که نیازمندان و مستمندان، نگران زندگی و اولاد و خانواده‌شان نباشند و طوری نباشد که بر اثر کوتاهی و بی‌توجهی متمکنان، نیازمندان در فقر و تنگدستی زندگی کنند و گاه مجبور شوند به خاطر فقر به گناه آلوده شوند یا دست به کارهای خلاف بزنند که در گناه این اعمال اغنیا نیز شریک خواهند بود. انسان باید توجه داشته باشد که خدای عالم زکات را منشاء رشد و نمو مالی برای زکات دهندگان و نشانه و مظهر عدالت اجتماعی و موجب اصلاح اخلاقی و ریشه کن شدن بخل و آز قرار داده است. از دیگر حقوق زکات آنست که دهند، آنرا برای خدا و به قصد قرب به او بدهد و گیرندگان را که مستحق هستند، مانند شرکای خود بداند و مسئولان اخذ زکات موقع تحویل برای آنان دعا کنند که هم آنان را خاطر جمع می‌سازد و هم دل‌هایشان را از تعلّقات مادی پاک می‌گرداند.

از جمله واجبات مالی و عبادی که مطابق نصّ قرآن و روایات بر مسلمانان واجب شده خمس است و از حقوق خمس آنست که خمس دهندگان باید بدون سهل‌انگاری، با کمال میل و علاقه و

با قصد قربت آن را در اختیار امامت قرار دهند تا امام عليه السلام یا حاکم عادل و جامع شرایط به وسیله آن کمبودها، خلاءها و خللهای اقتصادی و اجتماعی موجود را پر کرده و آنها را جبران کند تا بتواند جامعه را به سمت مطلوب سوق دهد و یکی از حقوق مهم این واجب آنست که با پرداخت آن، ذراری و وابستگان بیت نبوت صلی الله علیه و آله با عزت و حرمت اداره شوند و سربار جامعه نباشند. از دیگر حقوق مالی و عبادی، صدقه دادن است. حق صدقه دادن آنست که انسان بداند صدقه محبوب خداست و در دنیا امراض، بلاها و نگرانیهای غیر قابل پیش‌بینی و در جهان آخرت، عذاب الهی و آتش جهنم را از او دفع می‌کند و از دیگر این عبادات قربانی کردن است و حق آن این است که انسان آن را برای خدا و نه برای جلب رضای مردم، انجام دهد و هدفش فقط به دست آوردن رحمت حضرت حق و نجات از آتش جهنم در قیامت باشد.

ج - واجبات الهی ابعاد وسیع اجتماعی - سیاسی تا فرهنگی - عبادی دارند و از جمله آنها حج است که آن را حقوق فراوانی است و از جمله حقوق حج این است که حاجی باید بداند او قاصد خداست که در محضرش وارد می‌شود پس خود را باید مهیا و آماده این ورود و حضور گردانیده و از عوامل جدایی و افتراق دوری گزیند، چون حج تجلی‌گاه حضور جمع‌الجمعی آحاد انسانها با همه تفاوتها و تمایزهای آنهاست و آن یک حشر دنیایی است، از منیتها به سوی خدا، از سکوت و سکون به سوی تحرک و خروش، از افتراق و جدایی به سوی اجتماع. این حشر عظیم دنیایی، انسانها را از روزی که اولین و آخرین محشور می‌شوند و همه بدون هیچ بازگشتی محاسبه می‌شوند، مطلع می‌سازد. در حج مسلمین از مشکلات و تنگناهای عالم اسلام مطلع گردیده و با همدلی و همفکری می‌توانند در حل آن موفق شوند و با حل معضلات اسلام و امت اسلامی، شرایط مناسب برای تجلی عدالت الهی را فراهم کنند و این کمترین حقی است که حج بر گردن امت اسلام دارد.

5- جهاد و دفاع

از واجباتی که برای آنها جنبه‌های گوناگونی مترتب است جهاد و دفاع را می‌توان نام برد. جهاد و دفاع دو رکن و فریضه از فرایض الهی و ارکان اسلامی هستند. جهاد فریضه‌ایست که امت اسلام برای اعتلای کلمة الله و نشر احکام اسلام و دعوت انسانهای خفته، برای رضای خدا انجام می‌دهند. با جهاد در راه خدا و دفاع از حریم اسلام و فطرت انسانی، امت اسلام اقتدار نظامی خویش را به جهانیان نشان داده و دشمنان داخلی و خارجی را در برابر عظمت و اقتدار خویش خاضع می‌سازد و فکر هجوم و یورش به دنیای اسلام را از اذهان آنان دور می‌سازد و امت اسلام را در سایه اقتدار نظامی، در کمال امنیت و آرامش قلب اسکان می‌بخشد. انسان باید همیشه این حق را زنده نگاه داشته و جهاد را نعمتی بزرگ و شهادت را بالاترین فوز و فلاح و رستگاری بداند.

6- حق انسان بر خویشتن

همان طوری که خدای متعال حقوقی بر انسان داشته و دارد، هر انسانی هم نسبت به خودش حقوقی دارد و توجه به آن حقوق امری لازم و برای تأمین شرایط تکاملی انسان ضروری است. انسان اولاً باید بداند خدای عالم او را جانشین خود در روی زمین قرار داده و این جایگاه را به هیچ موجودی غیر از انسان نداده است و جانشینی و خلافت الهی، مقام و موقعیت کم اهمیتی نیست و انسان باید آداب خلافت و جانشینی را رعایت کند؛ ثانیاً خود را از آلودگیها و خطرات مادی و معنوی و ضررهای روحی، روانی و جسمی حفظ کرده و نگهدارد. لذا برای مثال حق اقدام به خودکشی، استعمال و مصرف مواد مضر و تباهی آور، اقدام به کارهای خطرناک که موجب ضرر و زیان غیر قابل تحمل در حد متعارف می شود را ندارد. حتی واجباتی که در حالت عادی برای او فرض و لازم است اگر ضرر برساند، حرام و باطل می شود مانند روزه‌ای که برای انسان ضرر داشته باشد. ثالثاً امنیت و راحت و صلاح خودش را در دنیا و آخرت باید به دست آورده و تمام شرایط و مقدمات لازم آن را به دست آورد، بنابراین باید تمام وجود خود را در خدمت خواسته‌های حضرت حق قرار داده، واجبات او را انجام و محرمات او را ترک کند.

ب- حقوق عرضی

1- حقوق متقابل انسانها

انسان در بستر اجتماع، زندگی اجتماعی و حیات جمعی هم نسبت به دیگران حقوقی دارد که در واقع از قبیل حقوق متقابل و متضایف است و این حقوق هم اقسامی دارند که به این ترتیب است:

2- حقوق خانواده

حقوق خانواده یکی از مهم ترین حقوقی است که انسان به صورت طبیعی و فطری آن را دارد. خانواده با ازدواج به وجود می آید که زیباترین و طبیعی ترین پاسخ به نیاز فطری انسان و سنت نبی اعظم اسلام صلی الله علیه و آله شناخته شده است. از حقوق ازدواج و خانواده این است که مسئولین جامعه و پدران و مادران، بکوشند این سنت عظیم نبوی را به بهترین شکل احیا کنند و موانع تشکیل خانواده را از سر راه بردارند. خانواده‌ها باید تلاش کنند از اسارت تجملات و تشریفات دست‌وپاگیر و بیجا، رهایی یابند و ملاک انتخاب را فضائل اخلاقی، انسانیت، علم، تقوا، عفت، نجابت و اصالت خانواده قرار دهند و بر امور اعتباری چون مال و ثروت و موقعیت، تأکید نکنند و اگر این حقوق را رعایت کرده و شرایط تشکیل خانواده را تسهیل کنند، بسیاری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی کاهش پیدا کرده و از بین خواهد رفت.

در خود خانواده نیز بین اعضای آن حقوقی وجود دارد و از آن جمله است حق زن و شوهر. در خانواده هم شوهر باید حق زن را بشناسد و رعایت کند و هم زن حق شوهر را. اما حق زن - که بر عهده شوهر قرار دارد - این است که شوهر باید بداند خدای رحیم، زن را مایه سکون، آرامش،

راحتی و انیس و حامی او قرار داده است و باید او را نعمت اعطا شده از جانب خدای عالم بداند و همواره مورد کرامت، محبت، عشق و رأفت خود قرار داده و در رفع نیازهای او در حد مشروع بکوشد. راحتی او را راحتی خود دانسته و او را مزاحم خود نداند و اگر به سبب خطا و جهل، کاری از او سر زد، با گذشت و مدارا، از آن درگذرد.

و اما حق شوهر که بر عهده همسر قرار دارد این است که زن باید بداند او مایه آرامش و راحتی شوهرش است و لذا در غیر معاصی، در تمامی امور مشروع موظف است از او اطاعت کند و در برابر خواسته‌های مشروع شوهر باید تبعیت کرده و سرپیچی نکند. از امیر المؤمنین امام علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: جهاد زن در این است که خوب شوهرداری کند.¹

حق مادر؛ یکی دیگر از مهم‌ترین حقوق در خانواده حق مادری است. مادر مظهر محبت، عطف، تحمل، بردباری، جان‌فشانی و از خود گذشتگی است؛ در دوران بارداری، به‌طور متوسط نه ماه، طفل را در بطن خود جای داده و رنج حمل بچه را به جان و دل می‌خرد. مادر - تا لحظه‌ای که کودک به دنیا بیاید - از شیرۀ جانش او را شیر می‌دهد و با تمام وجود از او حمایت می‌کند، راحتی و آسایش و خواب را بر چشمان خود حرام می‌کند و تمام تلخی و ناکامیها را به جان می‌خرد تا نوزادش آسیب نبیند و راحت رشد کند، لذا بر فرزند واجب است در برابر این همه زحمت و رنج از او قدردانی کرده و شکرگزار باشد و به وظائف خود در برابر مادر عمل کند.

حق پدر؛ از پایه‌های اصلی خانواده پدر است. پدر اصل و ریشه خانواده است و رابطه فرزندان با او رابطه اصل و فرع است زیرا اگر او نبود فرزند هم نبود و خانواده‌ای هم نبود و این را فرزندان باید بدانند. پدر واسطه فیض خداوندی در خانواده است و این چیزی است که فرزندان نباید از یاد ببرند و باید قدردان او باشند.

حق فرزند، آنست که انسان بداند او جزئی از او و ادامه وجود، هستی و حیات اوست؛ در دنیا خوبی و بدیهای فرزند به او نسبت داده می‌شود و مسئولیت تربیت، اصلاح، پرورش و راهنمایی او با وی است و در جهان آخرت اگر او را خوب تربیت کرده باشد، پاداش نیک و در صورت تربیت نادرست کیفرش را خواهد دید، بنابراین باید آنها را طوری تربیت کند که در دنیا موجب سربلندی و در آخرت موجب مأجور شدن و معذور بودن وی باشد.

حق برادر و خواهر؛ برادر و خواهر همیشه مایه عزت، شوکت و سربلندی انسان هستند. محل اتکا، بازوانی مطمئن و تکیه‌گاهی قابل اعتنا. انسان باید ایشان را وسیله خدمت به خدا و بندگان بداند و به کمک آنان مشکلات برادران و خواهران دینی را حل و فصل کند و نباید آنان را وسیله گناه قرار دهد، در مشکلات تنهایشان نگذارد، در مسائل برای آنها مشاوره امین و دلسوز بوده و

1. نهج البلاغه محمد عبده، کلمات قصار، شماره 136.

در هدایت و ارشادشان کوتاهی و غفلت نورزد، ولی در مواردی که میان رضای آنان و خواست خداوندی تباین دید، همواره خواست و نظر خداوندی مقدم است.

3- حقوق کسب و کار و مسکن

هر انسانی بر حسب فطرت خداداد، آزاد آفریده شده است و شریعت اسلام به دلیل اینکه بر اساس و مبنای فطرت قرار داده شده، بر آزادی و حق انتخاب انسان تأکید فراوانی کرده است و بر همین اساس برای انسان حق انتخاب مسکن برای سکونت، کار برای اشتغال و اقامت در محلی که خود بخواهد - چه داخل و چه خارج از کشور - قائل شده است و انسان را درباره هر کدام از آنها که بخواهد، در محدوده احکام شرع آزاد دانسته و برای او حقی قائل است و همچنین معتقد است انسان بدون دغدغه خاطر و بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران و نداشتن رگه‌هایی از فریب، اغواء، جهل و احتکار، می‌تواند مشغول کسب و کار شود و در محدوده شرع و قانون، صاحب محصول و دسترنج خویش باشد و حق مالکیت او در صورتی که به خود و یا دیگران آسیبی نرساند، محترم شمرده می‌شود به طوری که قانون و نظام از آن حمایت می‌کند و هر کسی که بخواهد در حریم مالکیت محترم وی وارد شود، قانون و نظام با او برخورد حذفی می‌کند زیرا مالکیت شرعی اشخاص را نمی‌توان سلب کرد، مگر با حکم صریح قانون و یا با دستور حاکم شرع جامع شرایط، با توجه به ضرورتها و منافع و مصالح عمومی یا در مقابل پرداخت غرامتهای فوری و عادلانه مانند نفقه به تعویق افتاده همسر با توجه به تمکنی که شوهر دارد، کما اینکه با سند معتبر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: مال مؤمن مانند خونش، محترم است.¹

هر کارگر و کارمندی، در هر رشته کاری که در دستگاه‌های دولتی، کارخانه، شرکت یا مؤسسه، مشغول کار شود، حق دارد از امنیت، سلامت و دیگر امکانات و شرایط ایمنی و سایر تأمینهای اجتماعی و قانونی برخوردار باشد و امنیت به معنای عام و وسیع کلمه، جزء حقوق عمومی است و هیچ کس یا دستگاهی حق ندارد کسی را به کاری که در حد توانش نیست وادارد و نیز نمی‌تواند کسی را به کاری که مایل نیست وادار کند یا به او زیان وارد سازد. هر کارگری، چه زن و چه مرد، حق دارد در برابر کاری که انجام می‌دهد - و قصد کار رایگان ندارد - دستمزد دریافت کند و نیز حق دارد از تمام مرخصیها، پاداشها، ترفیعات قانونی و مزایای دیگری که قانون فراهم کرده، استفاده کند و در عین حال حق کار و کار فرما را هم باید رعایت کند. او موظف است کاری را که به او محول شده به درستی انجام داده و در آن دقت لازم و کافی مبذول دارد و حق مالک و کارفرما و مدیریت و زیر مجموعه را مطابق قانون و موازین شرع محترم شمارد.

1. وسائل الشیعه، ج 12، باب 158، احکام عشره، ح 3، ص 297.

4- حقوق مظلومان و مستضعفان

یکی از حقوق مهم در جامعه این است، افرادی که معلومات، اطلاعات، قدرت و ابزار کافی در اختیارشان است موظفند در حد توان، از انسانهایی که به خاطر استضعاف، سلطه جویی و قدرت طلبی عده‌ای، به دلیل بی‌سواد یا مرعوب شدن، حَقّشان ضایع شده و توانایی دفاع از حقوق مشروع خویش را ندارند، دفاع کنند و این کمترین حقی است که مستضعفین بر گردن ایشان دارند و فرد یا افرادی که به تنهایی قدرت دفاع نداشته باشند، واجب است با هماهنگی دیگران، تشکله‌ها، گروه‌ها و جمعیتها، قدرت دفاع از حقوق خود و مستضعفان را به دست آورند و از حقوق معطل مانده حمایت کنند، همچنان که رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: هر کس صدای استغاثه کسی را بشنود که از مسلمانان یاری می‌طلبد و پاسخ ندهد، مسلمان نیست.¹

5- حق یتامی و محرومان جامعه

خدای مَنان در قرآن کریم، برای محرومان و سائلان، در اموال و دارایی اغنیا و متمکنان حقی قرار داده است.² اگرچه اطلاق این آیات کریمه، صدقات و زکوات واجب و مستحب را هم در بر می‌گیرد و اگر همان صدقات واجب و مستحب هم درست و در جای خودش با روش درست و عادلانه گرفته و توزیع می‌شد، شاید هیچ فقیری در عالم یافت نشده و آثار فقر از جامعه رخت بر می‌بست، ولی به اعتقاد ما شمول این آیات مبارکه بسی عام‌تر و جامع‌تر از صدقات واجب و مستحب است، بلکه برای سائلان و محرومان حقی در تمام اموال اغنیا قائل است. توانگران باید به این نکته توجه کنند که محرومان در اموال ایشان صاحب حق و سهمند و اگر چیزی می‌خواهند حقّ خودشان است و باید در فکر تأمین آنها باشند تا زمینه فقر و محرومیت رخت بر بسته و جامعه در اثر فقر و نیاز، آلوده به خلفها و گناهان نشئت گرفته از آن نگردد.

6- حقوق مردم، نظام و حکومت اسلامی

از مهم‌ترین حقوق - که دو طرفه است - حقوقی است که میان مردم و حکومت وجود دارد. اگر حکومت بر گردن مردم حق دارد، مردم را نیز بر گردن حکومت حقوقی است. حقوقی که حاکمان و متولیان نظام صالح بر گردن مردم دارند آنست که مردم دائماً نصیحتهای خیرخواهانه خود را از ایشان دریغ نکنند و آنچه صلاح نظام و اسلام و امت اسلام است به آنان تذکر دهند و در آنچه خلاف مصالح عمومی و دستورات الهی نیست، از دستورات حکومت پیروی کرده و اطاعت کنند

1. وسائل الشیعه، ج 15، کتاب الجهاد، باب 59 از ابواب جهاد العدو و مایناسبه، ح 1.

2. معارج: 24 و 25.

و در غیر آن اطاعت روا نیست چون اطاعت مخلوق در معصیت خالق جایز نیست¹ و باید که با حکومت و نظام عناد نوزند و دشمنی نشان ندهند، چون عناد و شقاق ملت در برابر نظام و حکومت نه به نفع متولیان حکومت تمام می‌شود و نه مردم، چه بسا همان عناد، موجب سلب اعتماد مردم به حکومت و حکومت از مردم گردیده و به تدریج حکومت را به نابودی می‌کشاند. ولی حق مردم بر حکومت و نظام آنست که حکام بدانند، پذیرش حکومت از جانب مردم باعث قدرت، اقتدار و نفوذ دستورات ایشان در میان جامعه است و به همین سبب باید با مردم مهربان، برای آنان دلسوز، جهت خدمت به مردم شکرگزار، در راه تأمین منافع مردم صبور و بردبار و دارای شرح صدر بوده و چون پدری دلسوز با آنان رفتار کنند؛ در کیفر و بازخواست از آنان از ابزار فکر استفاده کرده و عجله و شتاب از خود نشان ندهند و چون افراد جامعه حق دارند در یک زندگی شرافتمندانه و از طریق شغل و کار مناسب، تلاش کرده و نیازهای خود و خانواده‌شان را تأمین کنند، حکومت موظف است تمام شرایط لازم را فراهم کرده و محیط جامعه را از نظر امنیت کاری، مالی، جانی، دینی، آبرویی و شغلی تک تک افراد جامعه در چارچوب قانون و شرع فراهم سازد تا آنان و خانواده‌هایشان با امنیت کامل و در راحتی و آسایش باشند.

مردم باید بتوانند آراء و نظرات علمی، اجتماعی و سیاسی خود را به‌طوری که با حیثیت و حقوق دیگران مزاحمتی نداشته باشد - در چارچوب قانون و شرع - آزادانه ابراز کنند و هر انسانی حق دارد در زندگی خصوصی و شخصی خود آزاد و مستقل باشد. جاسوسی یا نظارت و کنترل کارهای شخصی افراد و شنودگذاری و مخدوش کردن حیثیت آنان ممنوع و حرام است و حکومت موظف است جلوی هرگونه دخالت نامشروع و غیر مجاز را که موجب سلب حقوق فرد است - دخالت از ناحیه هر کس و هر مقامی باشد - بگیرد و از حقوق مردم حمایت کند و اگر از طرف دخالت‌کننده ضرری مالی یا حیثیتی بر او وارد شود، جبران کند.

هر فرد مسلمانی حق دارد نسبت به اصلاح جامعه و اداره کشور و روند جریانات عمومی حساس بوده و در حد قانون - مستقیم یا غیر مستقیم - دخالت کند و هیچ کس را نمی‌توان از چنین حقی به هر عنوان - حتی مصلحت - ممنوع کرد. بازداشت، محدود کردن آزادی افراد، تبعید و دیگر مجازات آنان ممنوع است و جایز نیست، مگر آنکه با حکم دادگاه صالح که آن هم طبق قانون و موازین اسلامی تشکیل شده باشد، صورت گیرد و بدون حکم دادگاه صالح و قانون، هیچ شخص، مقام و تشکیلاتی نمی‌تواند به این امور اقدام کند و در صورت ارتکاب چنین عملی باید تحت پیگرد قرار گیرد.

هر فرد زندانی - محکوم باشد یا نباشد - نباید از حقوق اولیه خود که قانون معین کرده محروم

1. نهج البلاغه، محمد عبده، حکمت 165.

شود و شکنجه آنان تحت هر عنوانی حتی تعزیر، چه جسمی و چه روحی، ممنوع و حرام است و نباید به طور تحقیرآمیز با او برخورد کرد و یا طوری که منافی حیثیت انسانی وی باشد و اگر در این شرایط، اعتراف و اقراری از وی گرفته شود، فاقد اعتبار شرعی و قانونی است و نیز نباید از حقوق دیگری که قانون برای آنان تعیین کرده محروم گردند، از جمله ملاقات خانواده و بستگان و داشتن امکانات علمی، کتاب و کتابخانه، امکانات بهداشتی و هواخوری و امثال آن؛ اگر درباره هر کدام از این موارد کوتاهی یا تعدی صورت گرفته باشد، شخص یا وکیل قانونی یا ولی شرعی وی حق دارد به دادگاه صالح که مورد رضایت هر دو طرف باشد، شکایت کند.

7- حقوق متقابل فردی

افراد جامعه هر کدام با یکدیگر ارتباط دارند و منشأ این ارتباط، ممکن است، علمی، آموزشی یا تربیتی باشد. گاهی این ارتباط حالت استاد و شاگردی پیدا می کند یعنی یک نفر می آموزد و دیگری آموزش می دهد و در این ارتباط حقوقی وجود دارد که از آن به حقوق استاد و شاگردی تعبیر می کنند و یا ممکن است منشأ ارتباط مشارکت باشد که تحت عناوین شریک و شرکت و مشارکت قرار می گیرد و حقی که در این بین به وجود می آید حق شرکت و یا حق شریک و شرکاست یا رابطه از اعطای چیزی به وجود می آید که از آن به حق طلبکار و بدهکار تعبیر می کنند و ممکن است رابطه، صرف مشاوره و نظر خواهی باشد یا ارتباطات دیگر که هر کدام از آنها باعث به وجود آمدن حقی می شود که در اینجا به بعضی از آنها که به نظر می رسد از اهمیت خاصی برخوردارند، اشاره می کنیم:

1- حق استاد و شاگرد نسبت به هم

رابطه شاگرد و استاد رابطه خاصی است و در اسلام این رابطه از چنان منزلت والایی برخوردار است که معلم و استاد را به «أَبٌ عَلَّمَكَ» - پدری که آموزش داده - تعبیر کرده است، بنابراین شاگرد باید استاد را بزرگ و محترم بداند. مجلس استاد را گرامی شمرده و به سخنانش با دقت گوش فرا دهد. صدایش را در محضر استاد بلند نکند. در حضور و غیاب وی حرمتش را رعایت کند. با دوستان او دوستی و با دشمنانش دشمنی کند و شاگرد در واقع چون رسول و فرستاده استاد است پس مبادا در این رسالت به استاد خیانت کند. ولی استاد نیز باید بداند علمی که خدای متعال به وی اعطا کرده، برای خدمت به مردم، جلب رضای حق و رفع جهل از جامعه است و او امانت دار و خزانه داری است که هر کس را نیازمند علم خود دید باید نیاز او را برطرف کرده و مشککش را مرتفع سازد و با این فرض است که می تواند خدمتگذار مخلص و مفیدی به حساب آید و الأ نسبت به حق الهی کفر ورزیده و نسبت به مردم نیز ظلم روا داشته و زمینه را برای ذلت و زوال نعمت فراهم کرده است.

2- حقّ شریک

آنکه در حضور و غیاب، حرمت شریک را حفظ کند و از مرز عدالت خارج نشود و در غیاب وی وظیفه‌اش را به نحو احسن انجام داده و بدون جلب نظر و مشورت با او کاری انجام ندهد. مال شرکت را حفظ کند و در هیچ امری به وی خیانت روا ندارد و در حدیثی وارد شده است: دست خدا بر سر هر دو شریک است تا زمانی که به یکدیگر خیانت نکنند.¹

3- حقّ طلبکار

حقوق فراوانی دارد و از آن جمله، اگر بدهکار قدرت بر پرداخت بدهی را دارد نباید به تأخیر اندازد و طلبکار را سرگردان کند و الاً درباره او ستم روا داشته است و اگر توان پرداخت را ندارد، با زبان خوش و اخلاق حسن، رضایت طرف را به دست آورد و از او مهلت بخواهد و او را قانع کند تا به وی مهلت دهد و الاً، اگر طلبش را ندهد و با او بدخلقی هم بکند، نشانه فرومایگی و پستی اوست.

4- حقّ مشورت‌کننده

شور و مشورت از مسائل مهم و اساسی است که در قرآن و روایات بسیار سفارش شده است و حتی از رسول گرامی اسلام ﷺ خواسته شده با مردم مشورت کرده و آرا و نظرات آنها را محترم شمارد.² در مشورت هم مستشیر و مشورت‌کننده، نسبت به مستشار و مشاور حق دارد و هم مستشار و مشاور را بر گردن مستشیر حقوقی است. اما از حقوقی که مشورت‌کننده بر گردن مشاور دارد این است که اگر مشاور نظری درست و صحیح در جهت خیر و صلاح مستشیر دارد در اختیارش بگذارد، به طوری که اگر خودش به جای او بود، همین گونه عمل می‌کرد و در مقام ابراز نظر بکوشد با تطفّف، نرمش و استدلال با او صحبت کند و از خشونت پرهیز کند، چون نرمش در کلام، دلهره و نگرانی را از دل می‌زداید، ولی خشونت وحشت‌آفرین است و اگر نظری ندارد، به کسی که صاحب نظر است معرفی کند. مشاور حق ندارد به مشورت‌کننده خیانت کرده و او را اغوا و گمراه کند و اگر کرد مرتکب فعل حرام شده است و اگر عمداً او را اغوا کرد و او بر اثر اعتماد به این مشورت غلط دچار زیان گردید، مشاور هم در پیشگاه خدا مسئول است و اگر ضرر و زیان مادی باشد و به سبب مشورت با وی ایجاد شده باشد، ضامن است.

حقّ مشاور و مستشار، عبارت است از اینکه اگر بر خلاف نظر مشورت‌کننده نظری داشت، چون فرض بر این است که مشورت‌کننده وی را فردی امین و صالح برای مشورت می‌داند، نباید او را

1. من لا یحضره الفقیه، باب الحقوق، ح 3214.

2. آل عمران: 159.

به خاطر نظر مخالف متهم کند چون نظر او محترم است و اگر مجامله و مداهنه کرده و بر خلاف نظر واقعی خود و برای جلب نظر مشورت کننده اظهار نظر کند غلط و در بعضی موارد حتی خائن است و مشورت کننده هم مجبور نیست حتماً به نظرات وی عمل کند بلکه در انتخاب آزاد است، پس اگر نظرش موافق نظر وی یا برای وی پسندیده آمد، پس خدای را شکر کرده و با کمال میل نظرش را قبول کند و در هر حال از مشاور، چه نظر موافق داشته و چه نداشته باشد، به خاطر همکاری، اظهار نظر و تشخیص او، سپاسگزاری کند و اگر مشاور متحمل مخارجی شده است، اگر شرط کرده باشند باید جبران کند و الا واجب نیست بلکه بهتر است جبران کند.

5- حق نصیحت جو

حق نصیحت جو این است که ناصح آنچه را صحیح می داند از او مضایقه نکند و با ملایمت و عطف در حد فهم و درک، وی را پند دهد و متوجه باشد که همه افراد در درک و فهم یکسان نیستند و اگر طرف جاهل و مورد نصیحت احکام شرعی باشد، بر ناصح واجب است از باب ارشاد جاهل، احکام خدا را به او یاد داده و بیان کند.

6- حق ناصح

آنست که نصیحت جو در برابر ناصح متواضع باشد و دل و قلبش را در برابر نصیحت او حاضر کرده و به اصطلاح دل بدهد، با دقت به مطالب او گوش فرا دهد و اگر نصیحت را مطابق واقع و حقیقت بیابد، شکر خدای را گفته و از ناصح تشکر کند و اگر بر خلاف واقع بیابد، او را متهم نکند و متوجه باشد که ناصح در نصیحت او کوتاهی نکرده بلکه نظرش به خطا رفته و هر انسانی جایز الخطاست.

7- حق همسایه

حق همسایه یکی از حقوق مهم و مورد تأکید رسول گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت گرامی او ﷺ است و برای مثال در اهمیت آن کلامی از امام علی علیه السلام وارد شده که فرمودند: رسول خدا ﷺ آن قدر درباره همسایه تأکید فرمودند که گمان کردم همسایه از همسایه ارث خواهد برد¹ و از جمله حقوق همسایه این است که در حضورش وی را تکریم کرده و در غیابش آبرویش را حفظ کند، او را در تمام حالات یاری کرده و تنهانش نگذارد، از خطاها و لغزشهایش درگذرد و در برابر عمل اشتباهی که از او سرزنند، از خود تحمل و بردباری نشان بدهد و زبان بدگویان و بدخواهان را از او برگرداند، از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمودند: کسی که با شکم

1. نهج البلاغه صبحی صالح، وصیت 47 ص 422.

سیر بخوابد در حالی که همسایه‌اش گرسنه باشد، هرگز به من ایمان نیاورده است و هیچ اهل منطقه‌ای نیست که در میان آنان گرسنه‌ای باشد و آنان با شکم سیر بخوابند و خدا در روز قیامت بر آنان با نظر رحمت نگاه کند¹ و همچنین از ایشان روایت شده که فرمودند: هر کس حقوق همسایه‌اش را ضایع کند از ما نیست و جبریل امین آن‌قدر راجع به همسایه به من سفارش کرد که گمان بردم همسایه از همسایه ارث خواهد برد.²

8- حداقل حقوق مسلمانان نسبت به یکدیگر

در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ، آمده است که فرمودند: هر مسلمانی نسبت به برادر مسلمانش سی حق بر گردن دارد که جز ادای آنها برای صاحبان حق یا گذشت آنان راه دیگری وجود ندارد و آن حقوق از این قرار است:

- 1- از لغزشها و خطاهای وی درگذرد، 2- هنگام اندوه و مصیبت بر وی ترحم و دلسوزی کند،
- 3- آبرویش را حفظ کند، 4- تقاضای او را نسبت به اغماض و گذشت از خطاهایش بپذیرد، 5- عذر خواهی وی را قبول کند، 6- جلوی بدگویی و غیبت از او را بگیرد، 7- پیوسته او را نصیحت کند، 8- دوستی خود را با وی محکم و حفظ کند، 9- عهد و پیمان با او را محترم بشمارد، 10- هنگام مریضی و بیماری از وی عیادت کند، 11- بر جنازه او حاضر شود، 12- دعوت و هدیه او را رد نکند، 13- هدیه‌اش را جبران کند، 14- از او به سبب احسان و نیکی که در حق وی کرده تشکر کرده 15- در یاری وی کوتاهی نکند، 16- حوائج و نیازهای او را در حد امکان رفع کرده و تأمین کند، 17- اگر چیزی را طلب کرد، جواب مثبت داده و ردش نکند، 18- اگر چیزی به عنوان انعام می‌دهد با خوش رویی بدهد، 19- در پیدا کردن گمشده‌هایش او را راهنمایی و کمک کند، 20- سلام او را جواب دهد، 21- هنگامی که عطسه کرد، دعایش کند و بگوید «یرحمک الله»، 22- با خوبی و محبت با او صحبت کند، 23- با دوستان وی دوستی کند، 24- اگر کسی خواست به او ظلم کند، در حد قدرت جلو آن‌را بگیرد، 25- اگر به او ظلمی شده او را کمک کند تا حقش را بگیرد، 26- در طوفان حوادث و گرفتاریها او را تنها نگذارد، 27- اگر قسم خورد، آن‌را از وی قبول کند و نگوید که دروغ است، 28- هر چیزی را که برای خودش می‌خواهد برای او هم بخواهد، 29- هر چیزی که برای خودش ناخوشایند است، برای او هم نخواهد، 30- او را تسلیم ظالم نکرده و خوار نکند؛ سپس رسول خدا ﷺ فرمودند: هرگاه کسی در ادای حقی از حقوق برادر مسلمان خود کوتاهی کند، روز قیامت از او مطالبه می‌شود و باید آن‌را ادا کند³ و در حدیث

1. وسائل الشیعه، ج 12، کتاب الحج، باب 86 از ابواب احکام العشرة، ح 1 ص 127.

2. همان، ح 5.

3. همان، ح 24 صص 213-212.

دیگری آمده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هر کس حق مؤمنی را حبس کرده و ادا نکند و به او نرساند، خداوند روز قیامت او را روی دو پایش پانصد سال نگاه می‌دارد تا اینکه عرق یا خون از وی جاری شود و منادی از طرف خدای متعال ندا می‌کند این شخص ستمکاری است که حق خدا را حبس کرده و پس از آن چهل روز ملامت می‌شود و سپس دستور داده می‌شود او را در آتش بیندازند.¹

8- حقوق ملل

مطابق آنچه که از قرآن و سنت به دست می‌آید، اسلام و امت اسلامی نباید تحت سلطه و سیطره و نفوذ مادی و معنوی دنیای کفر قرار بگیرد²، اگر چه تحقق این معنا و حقیقت در این عصر و زمان پیچیده و در صحنه جهانی و بین‌المللی بسیار مشکل و طاقت فرساست، ولی باید مسلمانان با هر ملیت و زبان و موقعیت جغرافیایی که دارند در تحقق آن تلاش کنند و با تکیه بر اصول و مبانی مشترک و کنار گذاشتن عوامل تفرق، اختلافات را کنار گذاشته و با بهره‌برداری و سازماندهی قوی و استفاده مناسب و بهینه از امکانات و شرایط و ابزار استراتژیک که در اختیار دارند، مجموعه دنیای اسلام را به صورت یک ملت و امت، منسجم کرده و در برابر دنیای کفر مانند بنیان مرصوص بایستند و در ایجاد روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، دنیای اسلام را بر دیگران مقدم دانسته و کفر جهانی را، خطر جدی و واقعی برای همه کشورهای بدانند. حقوق ملتها منحصر به این موارد که به طور اجمال توضیح داده شد نیست و ما به خاطر اهمیت آن، این موارد را ذکر کردیم، که امید است مورد رضایت حضرت حق قرار بگیرد.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَغْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ
مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

1. اصول کافی کتاب الایمان و الکفر، باب من منع مؤمناً شیئاً، ح 2.

2. نساء: 141؛ تفسیر المیزان، چاپ اسلامیة 1377، ج 5، ص 126.